

بررسی تأثیر سبک‌های تربیتی والدین بر هویت ملی و اجتماعی دانش‌آموزان (مطالعه موردی دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان در شهر تهران)

دکترایرج ساعی ارسی^۱
آتیه عبدمولایی^۲

چکیده

هدف: دوره نوجوانی یکی از دوره‌های مهم و سرنوشت ساز زندگی انسان محسوب می‌گردد و از مسائل بنیادینی که فرد در دوره نوجوانی با آن روبرو می‌شود، تلاش برای شناخت خود و ایجاد یک هویت مستقل است. مطالعات نشان می‌دهد یکی از عواملی که در شکل‌گیری هویت تأثیر دارد؛ سبک‌های تربیتی والدین است. بر این اساس هدف این پژوهش بررسی تأثیر سبک‌های تربیتی والدین بر هویت ملی و اجتماعی می‌باشد.

^۱ - استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ابهر، ابهر، ایران (نویسنده مسئول). Email: saiearasi@gmail.com

^۲ - دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

روش: این تحقیق به روش پیمایشی انجام شد. جامعه آماری تحقیق کلیه دانش‌آموزان مقطع راهنمایی شهر تهران است. حجم نمونه با کمک فرمول عمومی کوکران ۳۸۲ نفر به دست آمد. به منظور دسترسی به جامعه آماری مورد نظر از دو روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای و تصادفی ساده استفاده شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌های سبک تربیتی والدین، هویت ملی و هویت اجتماعی می‌باشد. روایی هریک از پرسشنامه‌ها توسط استادان و متخصصین مورد تأیید قرار گرفت. و پایایی آن از طریق آلفای کرونباخ بالای ۰/۷۰ به دست آمد. داده‌های حاصله با استفاده از آزمون رگرسیون چند متغیری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها حاکی از آن است که تأثیر سبک‌های تربیتی (کنترل، محبت) بر هویت ملی معنادار است و ضریب همبستگی ۰/۲۵ در سطح ($P \leq ۰/۰۱$) نشان از همبستگی ضعیف و مثبت بین این دو متغیر است. نتایج ضریب بتا نیز نشان می‌دهد که سبک تربیتی کنترل ($B = ۰/۰۳۹$, $t = ۳/۴۲$) و سبک تربیتی محبت ($B = ۰/۰۳۴$, $t = ۴/۷۱$) می‌توانند ۲۱ درصد از واریانس هویت ملی را پیش‌بینی کنند.

همچنین نتایج نشان داد که تأثیر سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت اجتماعی دانش‌آموزان به لحاظ آماری معنادار است و ضریب همبستگی ۰/۲۳ در سطح ($P \leq ۰/۰۱$) نشان از همبستگی ضعیف و مثبت بین این دو متغیر است. نتایج ضریب بتا نیز نشان می‌دهد سبک تربیتی محبت ($t = ۴/۸۴$, $B = ۰/۱۰$) می‌تواند ۲۲ درصد از واریانس هویت اجتماعی را پیش‌بینی کند و این در حالی است که تأثیر سبک تربیتی کنترلی بر هویت اجتماعی دانش‌آموزان معنادار نیست.

کلید واژه‌ها: هویت ملی، سبک‌های تربیتی والدین، هویت اجتماعی

مقدمه

مبحث هویت یعنی بحث و تلاش برای پاسخ گویی به پرسش من که هستم (Woodward, 2000:6) قدمتی دیرینه دارد به همین سیاق، هویت ملی مفهومی تاریخی است که از ابتدا به شکل‌های متفاوت وجود داشته است. لیکن در ابعاد اجتماعی به زعم بسیاری از صاحب نظران علوم انسانی، به ویژه اجتماعی و سیاسی، یکی از اساسی‌ترین و جدیدترین مباحث عصر مدرن و پسامدرن است که بعد از رنسانس به وجود آمده است (Miller, 1995:27).

در دیدگاه جامعه شناختی، هویت ملی به معنای احساس تعلق و تعهد اعضای یک جامعه به رموز و نمادهای فرهنگی شامل هنجارها، ارزش‌ها، زبان، دین، ادبیات و تاریخ است که در نتیجه موجب تمایز آن جامعه از دیگر جوامع و همچنین انسجام و اجتماع بزرگ ملی می‌شود. ایران از جمله کشورهایی است که از پیشینه تاریخی و تمدن عظیمی برخوردار است. همچنین جامعه ایران جامعه‌ای است با لایه‌های فرهنگی مختلف و متشکل از خرده فرهنگ‌های قومی، مذهبی و دینی گوناگون که از بطن پیدایش این سرزمین در آن ساکن بوده‌اند.

هویت ملی بالاترین سطح هویت جمعی در هرکشوری است (عبداللهی، ۱۳۷۵: ۲۴) و نشان دهنده این است که دارنده آن احساس تعلق، همبستگی و وفاداری نسبت به ملت خود دارد. جست و جوی هویت مستلزم آن است که فرد ارزش‌ها، و ایده‌آل‌های خود را بشناسد و معیارهایی برای ارزیابی

رفتار خود و دیگران بیابد این جستجو تکوین احساس خود شکوفایی و شایستگی را نیز در بر دارد. تشکیل هویت، فرآیند ناخودآگاه می‌باشد که فرد در طی این فرآیند حس می‌کند که مجبور است در مدتی کوتاه برای موارد بسیاری تصمیم‌گیری کند، به نحوی که هر تصمیم از حق انتخاب وی در آینده خواهد کاست در نهایت جستجوی هویت می‌تواند منجر به شکل‌گیری متعالی از فردیت منسجم و نوآوری‌های اساسی در اجتماعی بگردد. دستیابی به هویتی مناسب شخص را قادر به ایجاد روابط صمیمانه، گرم و برخوردی درست و مناسب با مسائل می‌کند.

هویت دارای انواع، سطوح و سلسله مراتب مختلفی است که شامل هویت فردی و هویت جمعی است بدیهی است که این دو نوع هویت با دو نوع رابطه اجتماعی همراه است. هویت فردی ویژگیها و خصوصیات یگانه و منحصر به فرد اشخاص را آشکار ساخته و محصول روابط او با دیگری است که اصطلاحاً روابط بین شخصی نامیده می‌شود؛ هویت شخصی را باید خلق نمود و تقریباً به‌طور مداوم آن را با توجه به تجربیات متناقض زندگی روزمره و گرایش‌های تطمیع‌کننده نهادهای امروزی مورد تنظیم و تجربه قرار داد (گیدنز ۱۳۷۷: ۸۰). حال آن که هویت جمعی حاصل روابط گروه‌هاست که روابط بین گروهی نیز خوانده می‌شود (میرمحمدی، ۱۳۸۳: ۹).

بنابراین زمانی که از هویت ملی در سطح فردی پرسش می‌کنیم، به میزان تعلقات فرد به اجتماع ملی، یعنی اجتماعی که او خود را جزئی از آن می‌داند، نظر داریم و زمانی که در سطح جمعی یا ملی، صحبت می‌کنیم، از یک سو به میزان آگاهی جمعی از تعلقات، اشتراکات و بستگی‌های درونی آن جمع و تفاوت‌ها و تشابهات با اجتماعات هم‌نوع با ملت‌های دیگر و از سوی دیگر به تصویری که دیگر ملت‌ها از ویژگی‌های ملت مورد نظر ارائه می‌کنند و همچنین میزان آگاهی و انطباق یا عدم انطباق تصور ملت از ویژگی‌های خود با این تصور ارائه شده نظر داریم.

در میان الگوهای اجتماعی بسیاری که به نوجوانان ارائه می‌شود اولین الگو والدین هستند، تأثیر والدین بر تحول الگوهای اجتماعی نوجوانان، مانند کودکان از اهمیت بالایی برخوردار است، خانواده معمولاً برجسته‌ترین دسته درون گروه در زندگی افراد محسوب می‌شود (Lay&others, 1998) و شاید از همین رو است که عبداللهی با الهام از اگوست کنت خانواده را اولین هسته هویت اجتماعی انسانی معرفی می‌کند (دوران، ۱۳۸۷: ۱۰۳).

در زمینه ساخت هویت جوانان، واضح است که خانواده، فرهنگ حاکم بر جامعه، رسانه‌ها و نهاد آموزش و پرورش هر یک به نوعی در ساختن ویژگی‌های شخصیت فرد سهیم هستند ولی تأثیر خانواده بر شخصیت افراد از امتیاز خاصی برخوردار است (پروین، ۱۳۷۴: ۱۵). به همین دلیل در هویت‌یابی، والدین و اجتماع جایگاه خاص خود را دارند، بنابراین می‌توان گفت هویت‌یابی متأثر از ارتباطی خواهد

بود که در طول گذر از کودکی تا نوجوانی بین والدین و فرزندانش وجود دارد. نوجوانان باید بتوانند تمام دانش و برداشتهایی که از گذشته خود کسب کرده‌اند را در یک مجموعه و قالب قرار دهند به طوری که شخصیتی واحد و منسجم را در خود بیابند، و نسبت به گذشته و آینده دید روشنی کسب کنند.

بیان مسأله

دوره نوجوانی یکی از دوره‌های مهم و سرنوشت ساز زندگی انسان محسوب می‌گردد، از مسائل بنیادینی که فرد در دوره نوجوانی با آن روبرو می‌شود، تلاش برای شناخت خود و ایجاد یک هویت مستقل است یکی از بحرانهای دوران نوجوانی بحران هویت و انسجام خود است که اریکسون به آن پرداخته است (کیگان، کانجر، ماسن، هوستون، ؛ مترجم یاسایی، ۱۳۷۰: ۱۷).

دوره نوجوانی دوران هویت یابی است و تحوّل خود، فرآیندی است که از طریق جامعه پذیری و تجربه‌های اجتماعی اتفاق می‌افتد، دیدگاه اجتماعی خود به مید و کولی باز می‌گردد؛ تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند.

هویت فرد همان خود آینه سان اوست که در جریان تعاملات فرد با دیگران شکل می‌گیرد و بر این اساس هویت تعریفی است که فرد به واسطه تعاملاتش با دیگران یا به عبارتی نگاه کردن در آینه دیگران از خود به دست می‌آورد (تنهایی، ۱۳۸۳: ۴۰۵) در اندیشه کولی مفهوم خود آینه سان و گروه نخستین در هم بافته‌اند. حساسیت در برابر اندیشه دیگران را تنها می‌توان در کنش‌های متقابل و نزدیک و صمیمانه گروه‌های نخستین پرورش داد (کوزر، ۱۳۸۳: ۴۱۴).

هویت دارای انواع مختلفی مانند هویت ملی، دینی، فرهنگی، تاریخی، جمعی و غیره است که در این میان جایگاه هویت ملی نسبت به انواع دیگر هویت، بالاتر است. هویت ملی مجموعه ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، حماسی و قومی است که زندگی انسان را در بر می‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند (روح الامینی، به نقل از میر محمدی ۱۳۸۳: ۲۱) در اصل به منظور اندازه‌گیری دقیق و جامع هویت ملی شناسایی تمامی ابعاد آن ضرورت می‌یابد، این ابعاد شامل، بعد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، دینی، فرهنگی و ادبی است که نقاط گره هویت ملی هستند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۵۰).

عوامل مختلفی در تشکیل هویت ملی تأثیر گذارند که شامل خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌های ارتباط جمعی و غیره می‌باشد هویت ملی آخرین هویت اکتسابی است که فرد، طی فرآیند جامعه پذیری از طریق خانواده، مدرسه و رسانه کسب می‌کند (شیخاوندی، ۱۳۷۹: ۱۳).

به اعتقاد گروتوانت (Grotenvant)؛ کوپر (Cooper)؛ ماکروس (Macros, J)؛ مک کاب (McCabe, M)؛ مینوچین (Minuchin) یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری هویت جوانان خانواده، است. هر خانواده سبک‌های تربیتی خاصی را برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرد منظور از سبک‌های تربیتی در این جا شیوه‌هایی است که والدین برای تربیت فرزندان خود به کار می‌گیرند سبک تربیتی، الگویی از نگرش‌هاست که والدین نسبت به فرزندان خود ابراز می‌کنند، این الگو در شیوه‌ها و درجاتی که والدین نسبت به ارزش‌ها، رفتارها و معیارهایی که برای فرزندان خود وضع کرده‌اند، متفاوت می‌باشد (Darling: 1993: 469-487). در همین راستا (شیفر به نقل از نقاشیان، ۱۳۵۸) در رابطه با سبک‌های تربیتی والدین، مشاهداتی انجام دادو با بررسی‌های متعدد، چهار الگوی رفتاری را در دو بعد کنترل و محبت مطرح نمود که هریک از این الگوها از جهت اعمال کنترل و شیوه به کارگیری آن با هم متفاوت هستند.

پژوهش‌های گروتوانت و کوپر (Grotenvant, H. & Gooper, 1998)؛ مارکتوم، واترمن و آدامز (Adams & Markstrom, 1992)؛ (Waterman, 1982) مؤید این مطلب است که ارتباط نوجوانان با والدین در شکل‌گیری هویت مؤثر است. همچنین مطالعات دلیسی، گودنا و گلی کودی (Delisi, 1992)؛ (Goodnow, 1988)؛ (Mc, Gillicuddy, 1992) در مورد عقاید والدین در مورد رشد فرزندان و شیوه‌های فرزندپروری نشان داد که این عقیده می‌تواند فرآیند چگونگی رشد فرزندان را در سرتاسر دوره کودکی و نوجوانی شکل دهد (سندلر وهاور به نقل از مظلوم، ۱۳۸۲: ۶).

مارتین، مسن، کونگر، کیگان و بیکر (Baker, 1964)، (Mesen, Conger, Keegan, 1979)؛ (Martin, 1975) اعتقاد دارند که شخصیت و الگوهای رفتاری نوجوانان وابسته به نحوه تربیت دوران کودکی و چگونگی برخورد والدین آنها می‌باشد. آنها جنبه‌هایی از رفتار والدین همچون پذیرش، طرد، سهل انگاری و کنترل را مورد بررسی قرار دادند (منبع پیشین: ۸).

دمبو معتقد است که اگر محیطی که نوجوان در آن زندگی می‌کند و از جمله والدین در شناخت باورها، ارزشها و به عبارتی در یافتن پاسخ صحیح سوال من کیستم؟ آنها را یاری نکند، نوجوانان هرگز به انسجام هویت دست نخواهند یافت. (Dembo, 1994: 444)

تحقیق در زمینه خانواده نیز از این نظر حائز توجه است که مسأله اجتماعی شدن و فرهنگ پذیری بدون توجه به پرورش اساسی فرد در خانواده و انتقال فرهنگی جامعه به اعضاء و به‌طور کلی

روابط متقابل فرهنگ و شخصیت که خاصه از طریق شکل‌گیری شخصیت اساسی انجام می‌پذیرد جز با ملاحظه ویژگی‌ها و آثار خانواده به‌عنوان یک نهاد اجتماعی امکان‌پذیر نیست (سیف، ۱۳۶۸: ۶).
پرسشی که اینک مطرح است این است که نقش این مؤلفه تأثیر گذار یعنی سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت ملی دانش‌آموزان چگونه است و این متغیر به چه میزان هویت ملی دانش‌آموزان را پیش بینی می‌کنند؟ همچنین آیا سبک‌های تربیتی خانواده بر بُعد اجتماعی هویت ملی دانش‌آموزان تأثیر دارد؟

اهداف تحقیق

این بررسی دو هدف اساسی را دنبال می‌کند:

۱. تبیین تأثیر سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت ملی دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان در شهر تهران.
۲. تبیین تأثیر سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت اجتماعی دانش‌آموزان دختر مقطع دبیرستان در شهر تهران.

فرضیه‌های پژوهش

۱. سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت ملی دانش‌آموزان تأثیر دارد.
۲. سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت اجتماعی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

چارچوب نظری

در این پژوهش هدف بررسی تأثیر سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت ملی و اجتماعی دانش‌آموزان می‌باشد و برای تحقق آن یعنی پیرامون هویت نظریه‌های متفاوتی مطرح شده است. این نظریه‌ها شامل دو مقوله کلی است: نظریه‌های جامعه‌شناسان که هویت را ساخته و پرداخته ظرف زمان و مکان می‌دانند و در جریان هویت‌یابی بیشترین تأکید را بر روی فرآیند جامعه‌پذیری دارند و بیشتر در دیدگاه کنش متقابل نمادین تبلور می‌یابد، و نظریه‌های روانشناسان اجتماعی که معتقدند که فرآیندهای درونی شخص نقش بسیار ضروری در ساخت و پرداخت هویت ایفا می‌کنند و این نظریه‌ها عمدتاً با دیدگاه شناخت اجتماعی هم پوشی دارد. بنابراین روانشناسان اجتماعی و جامعه‌شناسان بر این واقعیت اتفاق نظر دارند که احساس هویت به واسطه دیالکتیک میان فرد و جامعه شکل می‌گیرد و

آنان کم و بیش می‌پذیرند که هویت معمولاً در نگرش‌ها و احساسات افراد نمود می‌یابد، اما بستر اصلی آن زندگی جمعی است. هویت اجتماعی نمود یافته در شخصیت، جدا از دنیای اجتماعی سایر افراد معنایی ندارد افراد بی‌همتا و متغیر هستند، اما شخصیتشان در کنش اجتماعی ساخته می‌شود (Jenkins, 1996: 20). چارچوب نظری پژوهش حاضر ترکیبی است از نظریه‌های ارائه شده که محور اصلی آن هویت اجتماعی است.

کنش متقابل نمادین به‌عنوان یکی از دیدگاه‌های مسلط و مورد اقبال جامعه‌شناسان تلاش دارد بنیان‌های نظری هویت را در قالب سازه‌هایی اجتماعی ارائه نماید؛ در کنش متقابل نمادین هر فرد با آگاهی و تفسیر گری دخالت کرده (تنهایی، ۱۳۷۴: ۴۵۲) و در جریان این کنش و برحسب موقعیت‌های مختلف افراد، واقعیت‌ها، پنداشت‌ها و تفسیرهایی را به دست می‌آورند، هویت یا خود اجتماعی یکی از این واقعیت‌هاست. بر این اساس هویت فرد پنداشتی است که او از خود در جریان کنش متقابل با دیگران به دست می‌آورد (علیخانی، ۱۳۸۳: ۳۶۳). بلومر در بحث اجتماعی شدن و کنش، به نقش خانواده (والدین) و هویت پرداخته است بر مبنای نظری بلومر، فرآیند اجتماعی شدن با کمک واسطه‌های اجتماعی ممکن است که عبارتند از: والدین، گروه همالان، مدارس یا سازمان‌های رسمی مجامع عمومی، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی. و اجتماعی شدن عبارت است از: جریانی که انسان در آغاز آن هنجارهای اجتماعی را یاد گرفته، با آنها تطبیق می‌یابد. فرآیند جامعه‌پذیری از نظر او در حقیقت به معنای یکی شدن و جا افتادن در جامعه کلان است (تنهایی، پیشین: ۴۷۴). ذیل این دیدگاه از نظر کولی خود یک شخص در جریان تبادلات و تعاملات او با دیگران شکل می‌گیرد و می‌افزاید خود نخست فردی، و سپس اجتماعی نمی‌شود بلکه از رهگذر یک نوع ارتباط دیالکتیکی شکل می‌گیرد و آگاهی یک شخص از خودش بازتاب افکار دیگران درباره خودش است (کوزر، ۱۳۷۷: ۴۱۰).

جورج هربرت مید پرچمدار نظریه هویت اجتماعی است که فرآیند دستیابی فرد به احساس و برداشتی کامل از خویش را بررسی می‌کند از دیدگاه او هر فرد هویت یا خویشتن خود را از طریق سازماندهی نگرش‌های فردی دیگران در قالب نگرش‌های سازمان یافته اجتماعی یا گروهی شکل می‌دهد. به بیان دیگر تصویری که فرد از خود می‌سازد و احساسی که نسبت به خود پیدا می‌کند بازتاب نگرشی است که دیگران نسبت به او دارند (Mead, 1964). او خود را محصول اجتماعی می‌داند که از خلال دیدگاه‌های دیگری شکل می‌گیرد و فرد آگاهی می‌یابد که در حوزه ادراک دیگری است و با درونی سازی آن، بر خود به‌عنوان موضوعی در حوزه ادراک خود آگاه می‌شود (مید، ۱۹۱۳، به نقل از دوران، ۱۳۸۷: ۱۵).

بعدها تاجفل با اتکا به این رهیافت هویت اجتماعی را با عضویت گروهی پیوند می‌زند و آن را متشکل از سه عنصر می‌داند. عنصر شناختی (آگاهی از اینکه فرد به یک گروه تعلق دارد). عنصر ارزشی (فرضیاتی درباره پیامدهای ارزش مثبت یا منفی عضویت گروهی) و عنصر احساسی (احساسات نسبت به گروه و نسبت به افراد دیگری که رابطه خاص با آن گروه دارند). پس هویت اجتماعی از نظر او آن بخش از برداشت فرد از خود که از آگاهی نسبت به عضویت در گروه (گروه‌های) اجتماعی همراه با اهمیت ارزشی و احساسی منظم به آن عضویت سرچشمه می‌گیرد (تاجفل به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۵).

پس هویت عبارت از نیازهای روانی انسان و پیش نیاز هر گونه زندگی اجتماعی می‌باشد. اگر محور و مبنای زندگی اجتماعی را برقراری ارتباط پایدار و معنادار با دیگران بدانیم، هویت اجتماعی چنین مکانی را فراهم می‌سازد. به بیان دیگر بدون تعیین چارچوبی برای هویت اجتماعی، افراد مانند یکدیگر خواهند بود و هیچ کدام از آنان نخواهند توانست به‌صورتی معنادار و پایدار با دیگران پیوند یابند، بنابراین بدون هویت اجتماعی در واقع جامعه‌ای وجود نخواهد داشت (جنکینز، ۱۹۹۶). جنکینز با دسته بندی هویت‌ها به دو دسته اصلی اولیه و ثانویه، گام مهمی برای رفع این نقیصه برداشته است. جنکینز هر چند با ارائه «دیالکتیک درونی - بیرونی هویت یابی» هویت را حاصل دیالکتیک درون و برون و یا فرد و جامعه و به عبارت دقیق تر همان «من فاعلی» مید و دیگران می‌داند اما در نهایت معتقد است که هویت پدیده ای اجتماعی است.

بنابراین با چنین تعریفی هویت اجتماعی را می‌توان نوعی خود شناسی در رابطه با دیگران دانست و این فرآیند مشخص می‌کند که شخص از لحاظ روانشناختی و اجتماعی کیست و چه جایگاهی دارد؛ و به بیان دیگر این امکان را برای کنشگر اجتماعی فراهم می‌کند تا برای کیستی و چیستی خود، پاسخ مناسب و قانع کننده پیدا کند (براون به نقل از گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۶).

جیمز مارسیا پس از اریکسون به این نتیجه رسید که شکل‌گیری هویت در مراحل مختلفی صورت می‌گیرد. او دو روند را در شکل‌گیری هویت اساسی تلقی می‌کند که عبارتند از بحران و تعهد. بحران یا جستجوی هویت دوره‌ای است که در آن فرد در زمینه تقلیدها، همانندسازی‌های گذشته، انتظارات، نقش‌ها و سن اجتماعی پرسشگری می‌کند. در مورد علایق، استعدادها و جهت‌گیری‌های خودش به تأمل می‌پردازد و نقش‌ها، آرمانها و صور مختلف هویت را مورد آزمایش قرار می‌دهد. تعهد عبارت است از اتخاذ تصمیم‌های نسبتاً با دوام و تثبیت نسبی در صورت مختلف هویت و جهت گیری تلاش‌های فرد به سوی تصمیم‌های اتخاذ شده که مشابه مفهوم وفاداری در نظریه اریکسون می‌باشد (چلبیانلو و همکاران، ۱۳۸۲ به نقل از خواجه پور، ۱۳۸۴: ۲۸).

جوانا و وایت معتقدند که هویت اجتماعی در متن یکسری از تجربیات مربوط به زندگی در وهله اول با بعد مکانی و محلی زندگی، خانواده و منابع اجتماعی ساخته شده است. و شکل‌گیری هویت در نهادهای اجتماعی مانند مدرسه، مکانهای تفریحی، و اوقات فراغت نیز جای می‌گیرد. و از نظر آنها منابع هویت‌های در دسترس نوجوانان عبارتند از: خانواده، رسانه‌های گروهی و مدرسه می‌باشد. به زعم جنکیز نیز برای بررسی هویت‌ها اولین عاملی که می‌بایست به آن توجه کرد، والدین می‌باشند (عزیزی، ۱۳۸۳: ۲۷۴). در بررسی فرآیند شکل‌گیری هویت بایستی به تصورات و انتظارات دیگران و بویژه خانواده توجه کرد. به نظر می‌رسد مناسباتی که در خانواده بین افراد وجود دارد نقش مهمی در شکل‌گیری تصورات افراد از خود یا هویت اجتماعی افراد ایفا نماید.

بنابراین متغیرهای مورد نظر در این پژوهش قابل دریافت از نظریات مطرح شده به ویژه مید، تاجفل، مارسیا و جنکینز می‌باشند. که تأکید اصلی آنها بر خود، احساس تعلق، مراحل رشد روانی، عضویت در گروه و تجربه‌های جامعه‌پذیری است. بنابراین فرضیات این پژوهش بر مبنای نظریه‌های مطرح شده اخذ شده است.

جدول (۱): ارتباط نظریه‌ها با فرضیه‌ها

ردیف	نظریه پرداز	نظریه	فرضیه‌ها
۱	جورج هربرت مید	خود اجتماعی	سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت ملی دانش‌آموزان تأثیر دارد
۲	هانری تاجفل جیمز مارسیا	مقوله بندی مراحل رشد روانی	سبک‌های تربیتی خانواده بر بعد اجتماعی هویت ملی دانش‌آموزان تأثیر دارد.

پیشینه تحقیق

۱. تحقیقات داخلی

(پور جبلی، ۱۳۷۹)؛ در پژوهشی به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی نوجوانان پرداخت و عامل خانواده، مدرسه، گروه دوستان و رسانه‌های تصویری بر شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی نوجوانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد پرداخته است.

(خواجه‌پور، ۱۳۷۴)؛ در تحقیقی تحت عنوان مقایسه شیوه‌های فرزندپروری با توجه به حالات هویت و بررسی رابطه ابعاد این دو متغیر در دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز به این نتیجه رسیده است که بین شیوه‌های فرزندپروری با توجه به حالات هویت تفاوت معنادار وجود دارد.

(غفوری کله، ۱۳۸۴)؛ نشان داد خانواده‌هایی که والدین آن پایبندی بالایی نسبت به مؤلفه‌های هویت ملی و دینی دارند، جوانان آنها از هویت ملی و دینی قوی‌تری برخوردارند، عملکرد والدین در زمینه آموزش جوانان در دو بعد ملی و دینی با هویت ملی و دینی جوانان در ارتباط است و این ارتباط مستقیم و مثبت ارزیابی شده است. علاوه بر این، با بالا رفتن پایگاه اقتصادی خانواده، هویت ملی و دینی جوانان ضعیف‌تر می‌شود (به نقل از لقمان نیا).

(مظلوم، ۱۳۸۲)؛ در تحقیقی به بررسی ارتباط شیوه فرزندپروری والدین با پایگاه هویت در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر تهران پرداخت و به این نتایج دست یافت که رابطه بین روشهای تربیتی والدین (کنترل و محبت) و وضعیت‌های هویت در نوجوانان معنادار می‌باشد.

(محمدی و لطیفیان، ۱۳۸۷)؛ در تحقیقی تحت عنوان بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی ابعاد هویتی فرزندان از طریق ابعاد فرزندپروری والدین در میان دانشجویان دانشگاه شیراز به این نتایج دست یافت که بعد گرمی - سردی از قدرت پیش‌بینی‌کنندگی مثبت و معناداری برای تعهد داشت در حالی که بعد آزادی - کنترل چنین قدرتی نداشت.

۲. تحقیقات خارجی

واترمن (۱۹۸۲)؛ مارک استروم-آدامز (۱۹۹۲)؛ گرتوانت و کوپر (۱۹۸۶) در مطالعات خود نشان داده‌اند که ارتباط نوجوانان با والدین در شکل‌گیری هویت مؤثر است. واترمن (۱۹۸۲) اشاره دارد که والدین دموکرات سبب تسهیل کسب هویت در فرزندان خود می‌شوند و نوجوانان از داشتن والدینی که آزادی خواه یا مقتدر هستند سود می‌برند. از دیدگاه واترمن اشخاصی که در خانواده‌هایی قرار دارند که والدین آسان‌گیر، مسامحه‌کار یا طردکننده دارند غالباً دارای هویت آشفته هستند یا این که در حل موفقیت‌آمیز بحران هویت دچار مشکل هستند.

(آدامز، ۱۹۸۵)؛ در پژوهشی که بر روی دختران نوجوان و بزرگسالان انجام داد به این نتیجه رسید که والدین می‌توانند رشد مثبت هویت را تسهیل کرده یا به تأخیر اندازند. هم‌چنین شکل‌گیری وضعیت هویتی والدین ممکن است بر روی شکل‌گیری هویتی نوجوان تأثیر داشته باشد و روابط والد-

فرزندى ممکن است موجب رشد بیشتر یا کمتر هویت در نوجوانان دختر شود (به نقل از محمدی، ۱۳۸۴).

(برزونسکی، ۲۰۰۴) به نقل از اسماعیلی (۱۳۷۹)؛ در پژوهشی بیان کرد، بین سبک‌های هویتی و سبک‌های والدینی رابطه وجود دارد. برای مثال، نوجوانان با سبک هویتی «گرایشی شناختی» دارای والدین مقتدر با ارتباطات باز می‌باشند. بین سبک هنجاری با والدین قدرت طلب نیز رابطه وجود دارد. معمولاً نوجوانان این گروه از آزادی بیان محرومند.

الوو (۱۹۸۳) به نقل از مظلومی) در پژوهشی نشان داد که شیوه‌های فرزندپروری والدین با مفهوم خود و رشد هویت رابطه معنی‌داری دارد.

(کارو و شی یو، ۱۳۷۵) معتقدند افراد متعهد به هویت احساس محبت و صمیمیت رو به افزایشی را با خانواده و والدین خود دارند، بنابراین انتظار این است که پس از حل بحران فرد دوباره با خانواده‌اش احساس صمیمیت کند (آدامز و همکاران، ۱۹۸۷).

(لومئو، ۱۹۹۹) معتقد است شیوه فرزندپروری و شیوه سازگاری به صورت معنی‌داری با جستجوگری و تعهد هویتی ارتباط دارند.

(ماس و انگلر، به نقل از نجفی، ۱۳۸۵) به این نتیجه دست یافتند که اگر کودکان بدون ارتباط با خانواده رشد کنند و یا احساس نزدیکی با خانواده نداشته باشند، مشکلات بیش از حد معمول در ارتباط با هویت خواهند داشت.

گراتوانت و کوپر، (۱۹۸۹) به نقل از مظلوم، ۱۳۸۲) در تحقیقی نشان دادند که ارتباط‌های موجود بین جریان‌های خانوادگی و کشف هویت نوجوانان به خصوص در سال‌های آخر دبیرستان حائز اهمیت است. نتایج بررسی این محققین نشان داد که نوجوانانی که در سطح بالاتری از کشف هویت درجه‌بندی شده بودند، از خانواده‌هایی هستند که در یک محیط حمایت‌کننده فرصتهای بیشتر را برای بیان و گسترش نقطه نظرات خود داشتند.

آدامز و جونز (۱۹۸۳)؛ و پای‌نی (به نقل از مظلوم، ۱۳۸۲) دریافتند که محیط خانه و روش‌های فرزندپروری بر روی شکل‌گیری هویت اثر مستقیم و غیرمستقیم دارد.

(گروتوانت و کوپر، ۱۹۸۶) بر اساس نتایج تحقیقات انجام گرفته روابط عاطفی موجود در خانواده یکی از عوامل مؤثر در نوع هویت فرزندان می‌باشد. بدین معنا که نزدیکی عاطفی فرزندان با والدین و حمایت و کنترل بیش از حد فرزندان به وسیله والدین منجر به ایجاد هویت زود هنگام می‌گردد. در مقابل فرزندان که از جانب والدین طرد می‌شوند و به لحاظ عاطفی خود فاصله دارند دچار پراکندگی

هویت می‌شوند. نوع دیگر هویت تحت عنوان هویت موفق در خانواده‌هایی شکل می‌گیرد که عواطف همراه با احترام به آزادی نوجوان ابراز می‌شود.

(شالتسیس و بلاستین، ۱۹۹۴) اشاره دارند که ترکیبی از دل‌بستگی عاطفی به والدین و تشویق

فردیت و استقلال در خانواده از عوامل تعیین‌کننده‌ی رشد هویت است.

گروتوانت و کوپر (۱۹۸۶)؛ پروسا و پروساوتام (۱۹۹۶)؛ اشتاین برگ (۲۰۰۱) به نقل از

محمدی، (۱۳۸۷) بیان می‌کنند که افراد با رشد هویتی سالم به احتمال زیاد از خانواده‌هایی با روابط گرم و صمیمی هستند اما روابط آنها تحمیلی نیست.

جمع‌بندی پیشینه تحقیق

بحث درباره‌ی هویت ملی حوزه‌ای میان رشته‌ای است و نیاز به مطالعه و تخصص در چند رشته از جمله علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی علوم سیاسی و تاریخ دارد. حوزه مذکور حوزه‌ای کاملاً پیچیده و ابهام‌برانگیز است و به همین علت انجام تحقیقات تجربی و میدانی را مشکل می‌سازد، به همین دلیل بحث در این حوزه به ویژه ارتباط آن با موضوعات مربوط به قلمرو تعلیم و تربیت، بسیار جدید بوده و لذا چندان که باید و شاید مورد توجه پژوهشگران قرار نگرفته است و اغلب مطالعاتی که در این زمینه یافت می‌شود، جنبه‌ی نظری داشته و به ندرت تحقیقات میدانی و تجربی یافت می‌شود. شاید بتوان گفت مبانی نظری مربوط به این مبحث آنچنان که باید به طور شایسته روشن نشده است به تعبیر دیگر هنوز اثری از نظریه‌های تربیتی جامع و روشن درباره‌ی هویت ملی که بتواند چارچوب مناسبی را برای تحقیقات میدانی و تجربی فراهم آورند دیده نمی‌شود (شمشیری، ۱۳۸۷: ۱۰۸).

نکته‌ای که در بررسی پیشینه تحقیق قابل ذکر است فقدان پژوهش‌هایی است که با رویکرد خاص این تحقیق به بررسی سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت ملی دانش‌آموزان پرداخته باشند. با توجه به پژوهش‌های انجام شده مشاهده می‌شود که پژوهشی که نشان دهنده تأثیر این دو متغیر را بررسی نماید انجام نشده است از این جهت ضرورت پرداختن به این موضوع در آثار بعدی احساس می‌شود.

همچنین مشخص شد که آموزش و پرورش نقش به‌سزایی در رشد اجتماعی و جامعه‌پذیری

جوانان و هویت‌یابی بر عهده دارد، اما تحقیقات نشان می‌دهد که این موضوع نتوانسته جایگاه خود را

به درستی در مدرسه از طریق (برنامه‌های درسی و فعالیت‌های فوق برنامه) و همسو با ارزش‌ها و الگوهای رفتاری خانواده‌ها، مشخص نماید

تعاریف مفهومی

هویت: تعریفی که فرد از خود و وجود خود می‌کند و به پرسش‌هایی چون چیستم و چه می‌خواهم پاسخ می‌دهد. و از طریق هویت به ابعاد شخصیت خود، نوعی هماهنگی و انسجام نسبی می‌بخشد و از نظر روانی و رفتاری در زمان و مکان موضع‌یابی می‌کند (حاجیان، ۱۳۷۹: ۴).

هویت ملی: مجموعه ویژگی‌ها، وابستگی‌ها و پیوندهای جغرافیایی، تاریخی، فرهنگی، حماسی و قومی است که زندگی انسان را در بر می‌گیرد و عضو جامعه به آن می‌بالد و افتخار می‌کند (روح الامینی، به نقل از میر محمدی، ۱۳۸۳: ۲۳).

هویت اجتماعی:

احساس تعلق خاطر مشترک و احساس تعهد افراد، به اجتماع ملی یا ماورای ملی، به افراد هویت جمعی می‌بخشد (چلبی، ۱۳۷۸: ۳۱).

سبک‌های تربیتی: منظور از سبک‌های تربیتی اعتقاد و نظر والدین نسبت به چگونگی ارتباط با فرزندان است (شعاری‌نژاد، ۱۳۶۴: ۳۴)

روش پژوهش

روش این پژوهش، توصیفی از نوع پیمایشی می‌باشد. همچنین این مطالعه را می‌توان از نقطه نظر هدف در زمره‌ی مطالعات بنیادی- کاربردی دانست. در این پژوهش متغیر سبک‌های تربیتی به عنوان متغیر مستقل و هویت به عنوان متغیر وابسته می‌باشد.

۱. جامعه آماری، حجم نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری در این پژوهش شامل کلیه‌ی دانش آموزان مقطع متوسطه مدارس تهران هستند. حجم نمونه با کمک فرمول عمومی کوکران ۴۶۰ نفر به دست آمد. در این بررسی از دو روش نمونه

گیری خوشه ای چند مرحله ای و تصادفی ساده بهره بردیم. ابتدا با کمک نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای از میان مدارس شهرتهران ۸ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شد (از هر منطقه جغرافیایی ۲ مدرسه). سپس از هر مدرسه ۲ کلاس به صورت تصادفی انتخاب گردید. پس از آن از ۱۶ کلاس انتخاب شده ۳۸۲ دانش آموز به صورت تصادفی انتخاب شدند. در ادامه به روش نمونه‌گیری تصادفی ساده از بین سیاهه‌ی اسامی واحدهای نمونه انتخاب شدند.

$$n = \frac{Nt^2s^2}{Nd^2 + t^2s^2} \quad n = \frac{(94000)(1/96)^2(0/5)^2}{(94000)(0/05)^2 + (1/96)^2(0/5)^2} = \frac{90240}{236} = 382$$

۲. ابزار اندازه‌گیری

ابزار تحقیق پرسشنامه است در این پژوهش از سه پرسشنامه استفاده شده است که به معرفی هریک از آنها پرداخته می‌شود.

پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری شیفر

جهت سنجش شیوه‌های فرزندپروری والدین از پرسشنامه‌ای که توسط نقاشیان (۱۳۵۸) در زمینه مذکور بر مبنای کار شیفر (۱۹۶۵) در شیراز تدوین شده استفاده شد که ضریب پایایی آن ۰/۸۷ گزارش شده است.

پرسش نامه سنجش هویت ملی و هویت اجتماعی

پرسشنامه هویت ملی برگرفته از طرح تحقیقی رحیمی‌نژاد و احمدی (۱۳۷۴) بوده، که توسط سکینه طالبی با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۳ اجرا شده است. پرسشنامه هویت اجتماعی نیز برگرفته از طرح تحقیقی پورجلی (۱۳۷۹) بوده، اما به دلیل این که در تحقیق مذکور روایی و پایایی قید نشده بود در این پژوهش به طور مجدد در یک نمونه ۵۰ نفری اجرا شد و ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ به دست آمد که نشان از پایایی مطلوب ابزار سنجش است.

یافته‌ها

در این پژوهش تأثیر هر یک از سبک‌های تربیتی بر هویت ملی و اجتماعی با کمک آزمون رگرسیون چند متغیره مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت، که نتایج آن به شرح ذیل می‌باشد.

فرضیه اول: به نظر می‌رسد سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت ملی دانش آموزان تأثیر دارد؟

جدول (۲): R2 و آماره‌های تغییر در R2

مدل	R	مجدور R	F تغییر	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲
۱	۰/۲۵**	۰/۰۶	۱۵/۱۹	۲	۴۵۵

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که تأثیر سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت ملی دانش آموزان به لحاظ آماری معنادار است. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش بین (کنترل و محبت) و متغیر ملاک (هویت ملی) ۰/۲۵ در سطح $(P \leq ۰/۰۱)$ است.

جدول (۳): ضرایب رگرسیون هر مدل

مدل		B	Beta	t	سطح معناداری
۱	ثبات	۸/۹۲		۵/۶۰	
	کنترل	۰/۰۳۹	۰/۱۵	۳/۴۲	۰/۰۰۱
	محبت	۰/۰۳۴	۰/۲۱	۴/۷۱	۰/۰۰۰

با توجه به معناداری رگرسیون از شاخص ضریب شیب بتا برای تبیین سهم هر یک از متغیرهای پیش بین در واریانس متغیر هویت ملی استفاده می‌شود. نتایج ضریب بتا نشان می‌دهد که متغیر پیش‌بین (کنترل و محبت) از سبک‌های تربیتی می‌تواند هویت ملی را در دانش آموزان پیش‌بینی نماید. سبک تربیتی کنترل ($B = ۰/۰۳۹, t = ۳/۴۲$) و سبک تربیتی محبت ($B = ۰/۰۳۴, t = ۴/۷۱$) می‌توانند ۲۱ درصد از واریانس هویت ملی را پیش‌بینی کنند که معادله آن به شرح زیر است.

$$Y_1 = a + B(x_1)$$

$$\text{هویت ملی} = ۸/۹۲ + ۰/۰۳۹ x_1 + ۰/۰۳۴ x_2$$

$$\text{هویت ملی} = ۸/۹۲ + ۰/۰۳۹ (\text{نمره متغیر کنترل}) + ۰/۰۳۴ X_2 (\text{نمره متغیر محبت})$$

فرضیه دوم: به نظر می‌رسد سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت اجتماعی دانش آموزان تأثیر

دارد؟

جدول (۴): R2 و آماره‌های تغییر در R2

مدل	R	مجدور R	F تغییر	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲
۱	۰/۲۳**	۰/۰۵	۱۲/۶۷	۲	۴۵۵

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون چندگانه نشان می‌دهد که تأثیر سبک‌های تربیتی خانواده بر هویت اجتماعی دانش آموزان به لحاظ آماری معنادار است. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش بین (کنترل و محبت) و متغیر ملاک (بعد اجتماعی) ۰/۲۳ است که نشان‌دهنده رابطه مثبت و ضعیف این دو متغیر است.

جدول (۵): ضرایب رگرسیون هر مدل

مدل		B	Beta	t	سطح معناداری
۱	ثبات	۷۶/۶۶		۱۶/۴۵	۰/۰۰۰
	کنترل	۰/۰۶۵	۰/۰۹۰	۱/۹۵	۰/۰۵۱
	محبت	۰/۱۰	۰/۲۲	۴/۸۴	۰/۰۰۰

با توجه به معناداری رگرسیون از شاخص ضریب شیب بتا برای تبیین سهم متغیر پیش بین (محبت) در واریانس متغیر هویت اجتماعی استفاده شد. نتایج ضریب بتا نشان می‌دهد متغیرهای لحاظ شده در این تحلیل متغیر پیش بین (محبت) از سبک‌های تربیتی می‌تواند بعد اجتماعی را در دانش آموزان پیش‌بینی نماید. سبک تربیتی محبت ($t = 4/84, B = 0/10$) می‌تواند ۲۲ درصد از واریانس بعد اجتماعی را پیش‌بینی کند که معادله آن به شرح زیر است.

$$Y_1 = a + B(x_1)$$

$$\text{بعد اجتماعی} = 76/66 + 0/10 x_1$$

$$\text{بعد اجتماعی} = 76/66 + 0/10 (\text{نمره متغیر محبت})$$

بحث

نتایج این مطالعه، نشان دهنده اثربخشی نقش خانواده و شیوه تربیتی والدین در فرایند شکل‌گیری هویت می‌باشند. چنانکه شالتسیس و بلاستین (۱۹۹۴) خانواده را به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در شکل‌گیری هویت فرزندان می‌دانند و ترکیبی از دلبستگی عاطفی به والدین و تشویق فردیت و استقلال در خانواده را از عوامل تعیین‌کننده رشد هویت به شمار می‌آورند.

نتایج حاصله از پژوهش حاضر نشان دهنده تأثیر بُعد (کنترل، محبت) بر رشد هویت در نوجوانان است، این یافته به این معناست که بهترین حالت در شکل‌گیری و رشد هویت ملی دانش‌آموزان، به کارگیری همزمان و منطقی دو سبک تربیتی است؛ به این معنا که ضمن حفظ کنترل و محدودیت هدفمند بر رفتار و کردار فرزند و دادن آزادی فکر و استقلال، حفظ رابطه عاطفی و صمیمی با فرزندان می‌تواند در شکل‌دهی موفق به هویت ملی دانش‌آموز مؤثرتر واقع شود. بنابراین نتیجه‌ای که یافته‌های دیگر تحقیقات نیز همسو است؛ نوع متعالی هویت در خانواده‌هایی شکل می‌گیرد که عواطف همراه با احترام به آزادی نوجوان ابراز می‌شود. در این نوع خانواده‌ها، ضمن آنکه حسی از نزدیکی و احترام دو جانبه وجود دارد، فرزندان احساس می‌کنند برای ابراز مخالفت با والدین خود آزاد هستند (گروتوانت و کوپر، ۱۹۸۶). بنابراین به نظر می‌رسد ترکیبی از دلبستگی عاطفی به والدین و تشویق فردیت و استقلال در خانواده از عوامل تعیین‌کننده رشد هویت است (شالتسیس و بلاستین، ۱۹۹۴). چنانکه افرادی که با والدین خود رابطه صمیمانه و نزدیک تری دارند، بهتر می‌توانند از آنها مستقل شوند و برای رسیدن به فردیت آمادگی بیشتری دارند. در واقع برقراری رابطه خوب والدین با نوجوانان، انگیزه مناسبی را برای برقرار کردن «خود» مستقل آنها ایجاد می‌کند (گروتوانت و کوپر ۱۹۸۱، به نقل از محمدی، ۱۳۸۴). از جمله دلایلی که برای تبیین این یافته وجود دارد، این است که شیوه‌های فرزندپروری در جامعه ایرانی بر خلاف کشورهای غربی تحت یک الگوی خاصی نیست و قاعداً تحت‌الشعاع عواملی چون زمینه‌های فرهنگی، خصوصیات اعتقادات والدین و طبقات اجتماعی است. اما آنچه مسلم است این است که والدین واقعی باید سعی کنند احساس پذیرش و عدم پذیرش را نسبت به فرزندان‌شان در زمانها و شرایط متفاوت به کار گیرند. زیرا معمولاً به کارگیری الگوهای تربیتی در بین والدین در مورد یک رفتار نمی‌تواند ثابت باشد و بر حسب زمان تغییر می‌کند. لازمه‌ی دستیابی به این هدف از طریق آشنایی هر چه بیشتر والدین با روش‌های تربیتی می‌باشد و مطلوب‌ترین راه این است که نسبت به برگزاری کلاسهای آموزشی در این زمینه اقدام و مؤثرترین شیوه به کارگیری منطقی این دو سبک تربیتی می‌باشد.

افزون بر این بررسی حاضر نشان داد که سبک تربیتی محبت قدرت پیش بینی کنندگی مثبت و معناداری برای هویت اجتماعی داشته است، سبکهای تربیتی که به طور عمده در فرایند اجتماعی شدن فرزند در خانواده هستند، می‌توانند بعد اجتماعی هویت ملی و به طور اخص هویت اجتماعی فرد را در جامعه تقویت کرده و شکل دهند. چرا که، بعد اجتماعی هویت، بعدی است که فرد در فرآیند اجتماعی شدن و ارتباط با گروه‌ها یا واحدهای اجتماعی موجود در جامعه که مهم‌ترین و ابتدائی‌ترین آنها خانواده است، کسب می‌کند و مشخص‌ترین آنها، گروه یا واحد اجتماعی یا حوزه و قلمرویی است که خود با ضمیر «ما» به آن اشاره می‌کند و خود را از لحاظ عاطفی و تعهد و تکلیف، متعلق و منتسب و مدیون به آن می‌داند (عبداللهی ۱۳۷۵ : ۱۴۲). افراد جامعه، این هویت جمعی را در فرآیند اجتماعی شدن در خانواده و زندگی در جامعه کسب می‌کنند و در ادامه نیز نوع هویت جمعی آنان بستگی به نوع ارتباطی دارد که آنان به تبع نظام شخصیتی خویش و در بستر یک نظام اجتماعی مشخص با خانواده، مدرسه و جامعه خود برقرار می‌کنند. هرکس معمولاً با استفاده از ضمیر ما خود را متعلق و منتسب به یک واحد اجتماعی و مکلف به تبعیت از ارزش‌ها و هنجارهای آن می‌داند. بنابراین تعلق من به ما به مثابه هویت بخشیدن به من است (همان: ۱۲۷).

از جمله دلائلی که برای تبیین این یافته وجود دارد این است که در جوامع جمع‌گرا، بیشتر احتمال دارد، که افراد تحت تأثیر اکثریت قرار گرفته و هم‌رنگی بیش تری از خود نشان دهند. در این جوامع افراد برای به دست آوردن تأیید اعضای گروه نگران هستند. والدین نیز متقابلاً در انتخاب دوستان، تحصیل، شغل، مکان زندگی و سایر مسائل مربوط به فرزندان خود درگیر و سهیم هستند. در این جوامع جوانان برای به دست آوردن هویت فردی تشویق نمی‌شوند. در عوض از آنها انتظار می‌رود که ادامه دهنده مسیری باشند که بزرگترها ارائه کرده‌اند (هو و تریاندیس، ۱۹۸۶). بنابراین در راستای یافته‌های این فرضیه با کمک واسطه‌های اجتماعی از قبیل: والدین، گروه همالان، مدارس یا سازمان‌های رسمی مجامع عمومی، رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی این مسئله را تقویت کرد.

نتایج

این مطالعه و سایر مطالعات، نشان دهنده نقش خانواده و شیوه تربیتی والدین در فرآیند شکل‌گیری هویت می‌باشند. چنانکه (شالتسیس و بلاستین، ۱۹۹۴) خانواده را به‌عنوان مهم‌ترین نهاد در شکل‌گیری هویت فرزندان می‌دانند و ترکیبی از دل‌بستگی عاطفی به والدین و تشویق فردیت و استقلال در خانواده را از عوامل تعیین‌کننده رشد هویت به شمار می‌آورند (الوو، ۱۹۸۳) نیز شیوه‌های

فرزندپروری والدین را با مفهوم خود و رشد هویت گره خورده می‌داند، بطور کلی بر اساس نظر اکثر صاحب نظران تأثیر پذیری فرد از خانواده غیر قابل انکار است و خانواده مهم‌ترین نهاد در شکل‌گیری هویت فرزندان تلقی می‌شود (شالتسین و بلاستین، ۱۹۹۴) و شیوه فرزندپروری و شیوه سازگاری انطباقی به صورت معناداری با جستجوگری و تعهد هویتی ارتباط دارد (لومئو، ۱۹۹۹).

بدین ترتیب، مشخص شد که فرزندان در خانواده‌ها به‌طور متفاوتی در معرض شیوه‌های تربیتی مختلف (درست یا نادرست) احساس، تجربه و درک‌های مختلفی از هویت فردی (تلفی از خود من) و هویت اجتماعی (خود ما درون گروهها و جامعه) و هویت ملی (خود ما درون یک مرز و بوم) رشد می‌یابند. مطمئناً در این فرایند عوامل و عناصری نظیر مدرسه، دانشگاه، رسانه‌ها، گروه‌های اجتماعی، مذهبی و سیاسی نیز دخیلند؛ اما سبک تربیتی قاطع همراه با محبت و گرمی خانواده نقشی بنیادی و تعیین کننده داشته و دارد. به نظر می‌رسد شکل‌گیری و قوام هویت موفق یا پیشرفته ورای انواع تقسیمات و ابعاد مورد نظر که در این تحقیق نیز به آنها اشاره شد، همان درک خود ما در جریان اجتماعی شدن در خانواده است و قوام و تکامل درست آن می‌تواند تضمین کننده احساس قوی هویت ملی نزد فرزندان تربیت شده در آینده باشد. این مطالعه تلاش کرد، تا حدودی به واکاوی برخی از این ابعاد در حوزه سبک‌های تربیتی و هویت بپردازد، مطمئناً مطالعه عمیق ترو تحلیلی تر آن مستلزم دسترس به داده های جامع کمی و کیفی می باشد.

منابع

الف) فارسی:

۱. اسماعیلی، محمد (۱۳۷۹). بررسی اثر آموزش درس مهارت‌های زندگی در تعامل با شیوه‌های فرزند پروری بر عزت نفس دانش‌آموزان استان اردبیل.
۲. پروین، لارنس ای (۱۳۷۴). روانشناسی شخصیت (نظریه و تحقیق) (محمد جعفر جوادی و پروین کدیور مترجم) تهران: نشر رسا.
۳. پورجیلی، ربابه (۱۳۷۹). بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی، فرهنگی نوجوانان. مطالعه موردی شهر ارومیه. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹). روشنفکر ایرانی و معمای هویت ملی. فصلنامه مطالعات هویت ملی، سال دوم، شماره ۵، ۶۷-۱۱.
۵. تنهایی، حسین ابوالحسن (۱۳۷۴). درآمدی بر مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، مشهد: انتشارات مرنديز.

۶. چلپی، مسعود (۱۳۷۸). میزگرد وفاق اجتماعی (۲). فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره ۱.
۷. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۷۹). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۵.
۸. خواجه پور، مهناز (۱۳۸۴). مقایسه شیوه‌های فرزند پروری با توجه به حالات هویت و بررسی رابطه ابعاد این دومتغیر در دانش‌آموزان دختر و پسر پیش‌دانشگاهی نواحی چهارگانه آموزش و پرورش شهر شیراز.
۹. دوران، بهزاد (۱۳۸۷). هویت اجتماعی: رویکردها و نظریه‌ها. چاپ اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۰. رحیمی‌نژاد، عباس؛ احمدی، علی اصغر (۱۳۷۴). مطالعه علی و تحلیلی هویت‌یابی نوجوانان ایرانی و رابطه آن با ساخت اجتماعی، اقتصادی و تحصیلی خانواده در دانش‌آموزان شهر تهران، معاونت پژوهشی وزارت آموزش و پرورش.
۱۱. سیف، سوسن (۱۳۶۸). تئوری رشد خانواده، تهران: انتشارات الزهرا.
۱۲. شعاری‌نژاد، علی اکبر (۱۳۶۴). روانشناسی رشد. انتشارات اطلاعات.
۱۳. شمشیری، بابک (۱۳۸۷). درآمدی بر هویت ملی، چاپ اول شیراز: انتشارات نوید.
۱۴. شیخاوندی، داور (۱۳۷۹). تکوین و تنفیذ هویت ایرانی، مرکز بازشناسی اسلام و ایران تهران: انتشارات بارز.
۱۵. عبداللهی، محمد (۱۳۷۵). جامعه‌شناسی بحران هویت، مبانی عینی و ذهنی هویت جمعی در ایران و تأثیر آن بر دینامیسم مبادله فرهنگی ایران با جهان، نامه پژوهش، سال اول، شماره ۳ و ۲.
۱۶. علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۳). هویت و بحران هویت، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۱۷. کوزر، لوئیس (۱۳۸۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، (محسن ثلاثی مترجم) تهران: انتشارات علمی.
۱۸. _____ (۱۳۷۳). زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، (محسن ثلاثی مترجم) تهران: انتشارات علمی.
۱۹. گل محمدی، احمد (۱۳۸۰). جهانی شدن و بحران هویت، فصلنامه ملی، سال سوم، شماره ۱۰.
- ۱-۳۶.
۲۰. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷). پیامدهای مدرنیت. (محسن ثلاثی مترجم) تهران: نشر مرکز.

۲۱. لقمان نیا، مهدی؛ خامسان، احمد (۱۳۸۹). جایگاه هویت ملی در نظام آموزش و پرورش ایران. فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۲، تابستان، ۱۴۷-۱۷۱.
۲۲. ماسن، پاول هنری؛ کیگان، جروم؛ هوستون، آلتا کارول؛ کانجر، جان جین وی (۱۳۷۰). رشد و شخصیت کودک (مehشید یاسایی مترجم) تهران: مرکز نشر.
۲۳. محمدی، زهره؛ لطفیان، مرتضی (۱۳۸۷). بررسی قدرت پیش‌بینی کنندگی ابعاد هویتی فرزندان از طریق ابعاد فرزندپروری والدین در میان دانشجویان دانشگاه شیراز. مطالعات روان‌شناختی، دوره ۴، شماره ۲، ۵۶-۳۹.
۲۴. مظلوم، اشرف (۱۳۸۲). بررسی ارتباط شیوه فرزند پروری والدین با پایگاه هویت در دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهر تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، تهران.
۲۵. میرمحمدی، داود (۱۳۸۳). گفتارهایی درباره هویت ملی در ایران، چاپ اول، تهران: تمدن ایرانی.
۲۶. نقاشیان، ذبیح‌الله (۱۳۵۸). رابطه محیط خانواده و موفقیت تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.

1. Adams.G.R. (1985).Family correlates of female adolescents, ego identity development. *Journal of adolescents*: vol 8.pp.69-82.
2. Adams ,G.R. Dyk .P.A.H. & Bennion, L.D.(1987). Parent- adolescent relationship and identity formation family prspective, 21.249-260.
3. Cooper, C.R.(1998). The weaving of maturity: Cultural perspectives on adolescent development , New york: Oxford university press.
4. Darling, N. &Stinberg, L. (1993).Parenting style as context: An-integrative model *Psychological Bulletin*: vol.113, No.1, pp.469-487.
5. Dembo, A. (1994).*Applying Education psychology*, Fifth Edition, L. Myron.H.p.444.
6. Grotenvant, H. &Cooper.C.(1998).Individuality and Connectedness, in e.skoe,&L.A.conder(eds)*Personality Development In Adoiescence*.p. 153-170.
7. Grotenvant, H. &Cooper.C.(1998).Individuality and Connectedness, in e.skoe,&L.A.conder(eds)*Personality Development In Adoiescence*.p. 153-170.
8. Grotevant, H. D. And Cooper, C.R. (1986). Individuation in family relationship , *Human development*, vol. 29, p. 82-100.
9. Hui, C. H., &Triandis, H. C. (1986). Individualism-Collectivism: A study of cross-cultural research, *Journal of Cross Cultural Psychology*, 77, 222-248
10. Jenkins, R. (1996). *Social Identity*.London, Routledge, p, 20.
11. Lomeo, C.M.(1999). Identity development: The inks between coping style. sibling relationships and parenting style *Dissertation Abstracts international*: Section B: The sciences & Engineering,59.3737.
12. MacCoby, E.E. &Matin, J.A (1983).Socialization in the context of the family: parent- child intraction. In P.H.
13. Markstrom- Adams, C. (1992). A consideration of intervening factors in adolescent identity formation. In G.R. Adams, T.p. Gullotta, & R. Montemayor (Eds), *Adolescent identity formation (advances in adolescent development, vol.4)* new bury park, CA: Sage.
14. Miller, D.(1995).*On nationality*. U.K. Clerendon press.
15. Mead, H.J. (1964).*On social psychology: Selected papers*,U.S.A.university of Chicago Press

16. Schulthesis, D. P & Blustein, D. L. (1994). Contributions of family relationships factors to the identity formation process *Journal of counseling and development*, 73, 159 – 166.
17. Waterman, A.S. (1982), Identity development from adolescence to adulthood: an extension of theory and review of research, *Developmental Psychology*, 18, 315-358.
18. Woodward, k. (2000) Introduction. In Kath Woodward (Ed) (2000) *Questioning identity: Gender, class, nation*. London: Routledge in association with The open University, pp.1-6.
19. Woodward, k. (2000) Introduction. In Kath Woodward (Ed) (2000) *Questioning identity: Gender, class, nation*. London: Rutledge in association with The open University, pp.1-6.